



## سازندگان اهرام مصر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی

احمد عابدینی

گفت و گوی روزنامه «الحیاء» با آقای محمد سمیر عطا محقق مصری در زمینه باستان شناسی را در مجله بینات شماره ۱۷ خواندم، بر این اندیشه شدم که آیات قرآن را بررسی کنم، شاید شواهدی بر له یا علیه این نظریه جدید بیابم.

به دقت آیات قرآن را در باره فرعونیان و قوم عاد بررسی کرده و آنها را دسته بندی کردم. نتیجه تحقیقاتم این شد که حق با آقای محمد سمیر عطا است و اهرام مصر نمی تواند متعلق به فرعونیان باشد بلکه انحصاراً متعلق به قوم عاد است.

محورهایی که در این مقاله مورد بحث قرار می گیرد عبارت اند از:

۱. در قرآن اشاره ای به نابودی خانه ها، کاخ ها و ساختمان های قوم عاد ندارد بلکه خبر از نابودی خود قوم عاد می دهد.

۲. در قرآن از ویران شدن کاخها و خانه های فرعونیان خبر می دهد و اینکه آن کاخها و برج ها از آجر بوده است نه سنگ. از این دو مطلب می توان نتیجه گرفت که کاخ های باقی مانده نمی تواند متعلق به فرعونیان باشد و احتمال دارد که به قوم عاد مربوط باشد.

۳. قرآن از نابودی یا باقی ماندن کاخی که هامان به دستور فرعون ساخت خبری نمی دهد ولی همانجا تصریح می کند که آن را از آجر (گلی که آتش آن را پیزد) ساخته است. و بسیار بعید می نماید که کاخی بزرگ و با ظاهری سر برافراشته بر آسمان که به دستور فرعون، برای هدفی عظیم، نظیر منحرف ساختن ذهن مردم است، با آجر ساخته شود ولی در همان حال توان ساختن کاخ های بزرگ تر، مجلل تر و بی هدف و بی فایده با سنگ های عظیم را داشته باشند. در نتیجه می توان گفت که اگر آنان توان ساختن کاخ های سنگی را داشتند حتماً آن توان را برای ساختن کوشکی که به دستور فرعون ساخته شد به کار می گرفتند.

۴. قرآن از بی نظیر بودن کاخ های قوم عاد خبر می دهد. عادیان نیز چنین ادعایی داشته اند، در حالی که فرعونیان چنین ادعایی پیرامون کاخ های خود نداشته اند.

بنابر این وقتی کاخی سنگی (اهرام مصر) نه آجری باقی می ماند نمی تواند متعلق به فرعونیان باشد و وقتی اهرام بی نظیر است و قرآن خبر از بی نظیر بودن کاخ های قوم عاد می دهد، انسان اطمینان پیدا می کند که این اهرام همان کاخ های قوم عاد است.

۵. باز وقتی انسان با عقل خود می یابد که این سنگ های عظیم را انسان های کوچک نمی توانند حمل کنند و قرآن گاهی با تشبیه و گاهی با تصریح در چندین مورد خبر از بزرگی هیکل و جثه قوم عاد می دهد در می یابد که نمی شود اهرام متعلق به فرعونیان باشد بلکه باید متعلق به قوم عاد باشد.

۶. و بالاخره وقتی قرآن خبر از نگهداری جسد فرعون و آیه بودن آن می دهد و می بینیم که واقعاً موجود است اما خبر از ماندن اجساد قوم عاد نمی دهد بلکه بر عکس خبر از پوسیدن کامل آنان می دهد روشن می شود که همه ویژگی های مطرح شده در قرآن با آنچه در خارج وجود دارد منطبق است، تنها در خارج می گویند اهرام مصر ساخته فرعونیان است که این با قرآن سازگار نیست و با قرائن عقلی نیز سازگار نیست مطمئن می شویم و بلکه یقین پیدا می کنیم که این انتساب درست نیست. و چون مصر با فرعونیان تلازم عرفی دارد، اهرام مصر را به آنان منتسب کرده اند.

## بررسی آیات

الف) آیات مربوط به قوم عاد:

۱. در سوره اعراف از آیه ۶۵ تا ۷۲ داستان قوم عاد را بیان می کند. قسمت های مربوط به بحث عبارت اند از:

**«وَالِی عَادِ إِخَاهِمُ هودَا... وَاذْکُرُوا اذْجَعَلْکُمْ خَلْفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادْکُمْ فِی الْخَلْقِ بَصِطَةً... فَانجِیْنَاهُ وَالَّذِیْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةِ مَنَا وَ قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِیْنَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَ مَا کَانُوا مُؤْمِنِیْنَ.»**

و به سوی عاد برادرشان هود را فرستادیم... به آنان گفت: بیاد بیاورید که خداوند شما را پس از قوم نوح جانشین آنان قرار داد و در خلقت بر قوت شما افزود... پس هود و کسانی که با او بودند را با رحمتی از خود رهانیدیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم.

در این آیات بر قوی بودن قوم عاد و هلاکت خود آنان نه کاخهایشان، اشاره شده است.  
۲. در سوره هود از آیه ۵۰ تا ۶۰ باز نظیر آیات سوره اعراف از قوه و نیروی آنان و هلاکتشان سخن می گوید:

**«وَالِی عَادِ إِخَاهِمُ هودَا... وَ یَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ... یَزِدْکُمْ قُوَّةَ الِی قُوَّتِکُمْ... فَان تَوَلَّوْا... وَ یَسْتَخْلِفْ رِیْقُ قَوْمًا غَیْرِکُمْ وَ لَا تَضْرُوْنَهٗ شَیْئًا... وَ لَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّیْنَا هودَا وَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهُ بِرَحْمَةِ مَنَا وَ نَجَّیْنَا هُمْ مِنْ عَذَابِ غَلِیظٍ.»**

و به سوی عاد برادرشان هود را فرستادیم... ایشان گفتند ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید... تا نیرویی بر نیروی شما بیفزاید... اگر روی بگردانید... پروردگام قومی جز شما را جانشین شما خواهد کرد و به او هیچ زیانی نمی رسانید... و چون فرمان ما در رسید هود و کسانی را که با او گرویده بودند به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذاب سخت رهانیدیم.

۳. در سوره شعراء از آیه ۱۲۳ تا ۱۴۰ مربوط به قوم عاد است. در برخی قسمت ها چنین آمده است:

**«كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِیْنَ... اَتِیْنُوْنَ بِكُلِّ رِیْعٍ اٰیَةً تَعْبَثُوْنَ. وَ تَتَّخِذُوْنَ مِصْنَاعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُوْنَ... وَ اتَّقُوا الَّذِیْ اَمَدَّکُمْ بِمَا تَعْلَمُوْنَ. اَمَدَّکُمْ بِاَنْعَامٍ وَ بَنِیْنٍ. وَ جَنَّاتٍ وَ عِیُوْنٍ... فَکَذَّبُوْهُ فَاَهْلَکْنَاهُمْ اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَآیَةً وَ مَا کَانَ اَكْثَرُ هُمْ مُؤْمِنِیْنَ.»**

عادیان پیامبران را تکذیب کردند... (پیامبرشان گفت): آیا بر هر تپه ای بنایی بسیار بلند و نشانه از روی بیهوده کاری می سازید و کاخ های استوار می گیرید به امید اینکه جاودانه

بمانید... و از آن کس که شمارا به آنچه می دانید یاری کرده پروا پیشه کنید، شما را به دامها و باغستان ها و چشمه ها مدد کرد... پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم، قطعاً در آن نشانه و آیتی است و اکثرشان ایمان آورنده نبودند.

در این آیات چند نکته به چشم می خورد:

الف: بر بلندی ها ساختمان هایی می ساختند که آیه و نشانه بوده است و از فاصله های بسیار پیدا بوده است.

ب: کاخ های استواری می ساخته اند که احتمال نابودیش بسیار ضعیف بوده و برای زندگی جاودانی کافی به نظر می رسیده است.

ج: خداوند آنان را به چیزهایی که خود می دانسته اند یاری کرده است، آن چیزها عبارت از قوه بازوی زیاد، هیکل های بزرگ و قامت های بلند بوده است. چون سایر امکانات مادی نظیر مال و فرزند را در آیات بعد ذکر کرده است.

د: و بالاخره خبر از هلاکت آنان می دهد و آن را آیه خدا می داند، ولی هیچ تصریح یا اشاره ای به ویرانی کاخ ها و بنا های آنان نمی کند.

۴. در سوره غافر آیه ۲۱ خبر از انسان هایی می دهد که از قوم قریش امکانات و قوه بیشتری داشتند که در زمین، آثار پایداری از خود به جای گذاشتند. از مصادیق بارز این اقوام، قوم عاد است، ولی آن کاخ ها آنان را از عذاب الهی حفظ نکرد.

**«اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا من قبلهم کانوا هم اشد منهنم قوه و آثاراً فی الارض فاخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق»**

آیا در زمین نگردیده اید تا ببینید فرجام کسانی که پیش از آنان می زیسته اند چگونه بوده است؟ آنان از اینان نیرومندتر و دارای آثار بیشتری در زمین بوده اند، خداوند آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در مقابل خدا حمایتگری نداشتند.

آیه ۸۲ همین سوره نیز کاملاً شبیه آیه ۲۱ است و در هر دو آیه از هلاکت خود آنان خبر می دهد، نه از، هلاکت کاخهایشان، بلکه اشاره می کند که آثار و ساختمان های آنان به کارشان نیامد و به آنان سودی نبخشید.

به هر حال همان طور که بیان شد این آیات اسمی از قوم عاد به میان نیاورده است ولی چون در قرآن هر گاه سخن از انسان های قوی هیکل است سخن از قوم عاد است این دو آیه نیز می تواند مربوط به قوم عاد باشد.

در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره فصلت آمده است:

فَإِنَّمَا عَادَ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ... فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لَنَذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...»

و اما عادیان به ناحق در زمین سر بر افراشتند و گفتند از ما نیرومندتر کیست؟ آیا ندانسته اند که خدایی که خلقشان کرده است از ایشان نیرومندتر است؟ ... پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهای شوم فرستادیم تا در زندگی دنیایی، عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم.

از این آیه بر می آید که آنان قوی ترین انسان های روی زمین بوده اند زیرا در مقابل این سؤال و ادعای استکباری، خداوند افرادی را معرفی نمی کند و نمی فرماید انسان های قبلی قوی تر از شما بودند و نمی گوید انسان های سرزمین دیگری از شما قوی تر هستند بلکه می فرماید: خالق شما از شما قوی تر است و سپس آنان را با طوفان هلاک می کند، ولی باز از نابودی کاخ های آنان سخنی به میان نمی آورد.

بنابراین قرآن بر قوی ترین انسان ها بودن آنان صحه می گذارد.

۵. در آیات ۲۱ تا ۲۶ سوره احقاف چندین ویژگی از قوم عاد را بیان می کند که در آیات دیگر از آن خبری نبود.

بیت

«وَاذْكُرْ إِخْوَانَ عَادِ إِذْ أَنْذَرْنَاهُمْ بِالْحَقِّ ... فَلَمَّا رَاوَهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أُوذَيْتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مِمطَرْنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ. تدمر کل شیء بامر ربها فاصبحوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ. و لقد مكننا هم فيما ان مكناكم فيه ...»

و برادر عادیان را یاد آور، آنگاه که قوم خویش را در ریگستان هشدار داد ... هنگامی که آن عذاب را به صورت ابری که به سوی وادی های آنان در حرکت بود دیدند گفتند: این ابری است که بارش دهنده ماست [هود گفت: نه] بلکه همان چیزی است که به شتاب خواستارش بودید، بادی است که در آن عذابی پردرد است. همه چیز را به دستور پروردگارش از بنیان می کنند، پس چنان شدند که جز خانه هایشان دیده نمی شد.

در این آیات نکاتی بیان شده:

۱. سرزمین قوم عاد سرزمینی شن زار بوده است و آنها منتظر آمدن باران بوده اند.
۲. پس از آمدن طوفان عذاب، آنان زیر تپه هایی از شن پوشیده شده اند و تنها خانه های آنان از شن ها بیرون بوده است.
۳. قدرت و مکنت آنان را کس دیگری نداشته است.

نکته: «بالاحقاف» ممکن است برای بیان سرزمینی باشد که در آن زندگی می کردند و پیامبرشان در آن سرزمین آنان را به عذاب تهدید کرده باشد، همان گونه که در ضمن ترجمه بیان شد و ممکن است به احقاف یعنی به ریگ تهدید شده باشند یعنی پیامبرشان نوع عذاب را بیان کرده باشد ولی بیشتر مفسران احتمال اول را بیان کرده اند. به هر حال طوفان در سرزمین شن زار همراه با شن خواهد بود.

از این آیات بر می آید که آن سرزمین شن زار بوده و از آیات سوره شعراء معلوم شد که باغستان و چشمه زار های فراوان نیز داشته اند، باز از آیات سوره احقاف روشن شد که آن ها در وادی هایی زندگی می کرده اند، و مقداری کم آبی چشیده اند و در انتظار آمدن باران بوده اند که همه این ویژگی ها با سرزمین مصر کاملاً مطابق است.

نظیر آیه های سوره احقاف که خبر از باقی ماندن مسکن های قوم عاد می دهد، آیه ۳۸ سوره عنکبوت است. «وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَّيْنُ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ» و عاد و ثمود را نیز هلاک کردیم، قطعاً فرجام آنان از مسکن های آنان بر شما آشکار گردیده است.

بنابراین مسکن های آنان باید ویران نشده باشد چون اسمی از تدمیر و ویرانی آنها در هیچ یک از آیات، برده نشد بلکه خلاف آن از آیات سوره احقاف روشن شد. در سوره ذاریات آیه های ۴۱ و ۴۲ آمده است:

**«وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ. مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرِّمِيمِ»**

در ماجرای عاد، چون بر آنها باد مهلک را فرستادیم، و به هر چه می وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می گردانید.

رمیم از «الرمه» است و برای استخوان پوسیده به کار می رود. بنابراین این آیه نیز خبر از نابودی انسان ها می دهد، ولی از خرابی کاخ های آنان سخنی به میان نیاورده است. در سوره قمر آیه های ۱۹ و ۲۰ چنین آمده است.

**«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فَيَوْمَ نَحْنُ مُسْتَمِرُونَ. تَتَزَعُّ النَّاسُ عَنْهُمْ أِعْجَازَ نَخْلٍ**

**مُنْقَعَرٍ»**

ما بر آنان در روز شومی به طور مداوم، تند بادی توفنده فرستادیم که مردم را از جا می کند، گویی تنه های نخلی بودند که ریشه کن شده باشد.

و در سوره الحاقه آیه های ۶ و ۷ آمده است:

**«وَأَمَّا عَادُ فَاهْلَكُوهَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ. سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا**

### فتری القوم فیها صرعی کأنهم اعجاز نخل خاویة

و اما عاد به تند بادی توفنده سرکش هلاک شدند. آن را هفت شب و هشت روز پیایی بر آنان بگماشت. در آن مدت مردم را فرو افتاده می دیدی. گویی آنها تنه های نخل های میان تهی اند.

این آیات، بزرگی هیکل آنان را می رساند که به مانند تنه درخت خرما بوده اند. اگر این آیات را کنار آیه های سوره فیل بگذاریم که در آنجا فیل سواران را پس از نابودی مانند گیاه و کاه جویده شده می داند، «فجعلهم کعصف ماکول» (فیل، ۵/۱۰۵)، معلوم می شود که حقاً قوم عاد هیکل های بزرگ و درشتی داشته اند که اینان نظیر تنه خرمایند و آنان نظیر گیاه جویده شده و قبلاً از زبان خود آنان بیان شد که گفتند کسی قوی تر از ما نیست و خداوند هم آن کلام را تکذیب نکرد و فرمود: خداوند خالق آنان قوی تر است.

باز از این آیات روشن می شود که باد در چندین روز متوالی ادامه داشته است و قبلاً گذشت که همه چیز را شن فرا گرفت: «لایری الا مساکنهم» (احقاف، ۲۵/۴۶)، مگر خانه های آنان که از تل شن سر کشیده و ظاهر بوده است، چیزی دیده نمی شد. با توجه به شن زار بودن منطقه مصر و وجود شن های زیادی در دور اهرام و پیدا شدن برخی اهرام نیمه تمام در زیر شن ها و پیدا شدن جسد های پوسیده انسان های بزرگی که آقای محمد سمیر عطا در مصاحبه خود اشاره کرده بود، همه و همه فرضیه ایشان را قریب به یقین می کند. اگر دو سه قرینه اخیری که غیر تفسیری است، کنار بگذاریم تا بحث تفسیری صرف بماند، باز اطمینان نسبی برای یک مفسر به دست می آید که اهرام متعلق به قوم عاد است. باز در سوره فجر آیه های ۶ تا ۸ ویژگی هایی می گوید که تنها با مصر و با اهرام سازگاری دارد.

### الم ترکیف فعل ربک بعاد. ارم ذات العماد. التي لم یخلق مثلها فی البلاد

مگر ندیدی که پروردگارت با عاد چه کرد، ارم دارای ستون های بلند که مانندش در شهرها ساخته نشده است.

در باره ارم، احتمالات گوناگونی گفته شده است برخی آن را اسم قبیله ای دانسته اند و برخی آن را اسم شهری و گروهی آن را لقب عاد دانسته اند ولی هیچ کدام از این اقوال با ذات العماد - دارای ستون های بلند - مناسب نیست و با آوردن «التي» به صورت مؤنث سازگاری ندارد.

ولی اگر گفته شود ارم همان هرم است و ستون های بلند، وصف آن است و «التي لم



یخلق مثلها فی البلاد» وصف دیگر آن ، بسیار مناسب می نماید .

**نکته:** سایر احتمال های تفسیری در بقیه موارد- صرف نظر از داستان اهرام مصر - هیچ گاه این قدر قرینه ندارد و برای اثبات یک احتمال یا تقویت آن نیاز به این قدر قرینه و قلم فرسایی و بررسی آیات نیست ولی چون از قدیم در ذهن افراد تلازمی بین اهرام مصر و فرعونیان وجود داشته است و بیرون کردن آن تلازم از ذهنها به راحتی امکان پذیر نیست ، بحث کمی طولانی شد و سعی شد تمامی قراین ذکر شود و الا اگر کسی ذهنش مشوش به این تلازم خیالی ساختگی نباشد یکی از این قراین همراه این نکته که ارم همان هرم و اهرام همان آرام است ، برای اثبات مدعای ما کافی است مثلاً اگر ذهنها مشوش نبود تنها کافی بود که از مفردات راغب نقل شود: «الإرم علم یبني من الحجارة وجمعه آرام... و قوله تعالی: «ارم ذات العماد» اشاره الی اعمدة مرفوعة مزخرفة»

«ارم علم و نشانه ایست که از سنگ ساخته می شود و جمعش آرام است و قول خداوند که می فرماید: «ارم ذات العماد» اشاره به ستون های بلند و آراسته است .

تا حال پیرامون عادیان بحث شد و معلوم شد با طوفان شن هلاک شدند ، خانه هایشان باقی ماند ، خانه هایشان همچون آبه و نشانه ، از دور پیدا بود ، پس از طوفان نیز در زیر شن مخفی نشد ، شهرهای قوم عادشن زار بود و نیز دارای باغستان ها و چشمه های فراوان ، افراد قوم عاد دارای هیکل های بسیار بزرگی که قبل و بعد از آنان چنان انسان هایی به وجود نیامده است . آنان انسان های نیرومندی بودند . ساختمان های آنان طوری بود که گمان می شد تا ابد ممکن است در آن ها سکونت کرد .

با توجه به این ویژگی ها و معنای ارم ، سرزمین مصر و اهرام آن را می توان مصداق بارز و موجود سرزمین عاد ، و کاخ های آنان دانست و جسد های کشف شده پوسیده ای را که محمد سمیر عطا بیان کرده است ، نمونه هایی از جسد های پوسیده قوم عاد و آن ها را مؤید این قول دانست که عادیان در مصر می زیسته اند .

حال این سؤال مطرح می شود که کاخ ها و قصر های ساخته شده توسط فرعونیان چه شده است؟

مسئلاً فرعونیان نیز کاخ هایی برای خود ساخته اند و تا حال این مسأله در ذهن همگان بوده که اهرام مصر ساخته فرعونیان است حال با این فرضیه جدید اندوخته های ذهنی قبلی چه می شود؟

در جواب می گوییم که از آیات قرآن به خوبی برمی آید که تمامی مصنوعات و



ساخته های فرعونیان را خداوند نابود کرده است. ابتدا در ذهن همه این طور خلجان می کند که چون فرعونیان در آب غرق شدند، پس حتماً خانه هایشان و کاخهایشان سالم مانده است ولی قرآن این را کاملاً رد می کند و با صراحت خبر از ویرانی آنها می دهد.

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ سوره اعراف می فرماید:

**«فانتقمنا منهم فأغرقناهم فإلیم فی الیم ... ودمرنا ما كان یصنع فرعون و قومه و ما كانوا**

**یعرشون»**

سر انجام از فرعونیان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم ... و آنچه را که فرعون و قومش ساخته بودند و آنچه را که بر افراشته بودند ویران کردیم.

«ما كان یصنع فرعون»، شاید خانه ها را بگوید. «وما كانوا یعرشون» کاخ ها و کوشک های بلند را. به هر حال همه آن ها نابود شده اند در حالی که اهرام ثلاثه در زمان نزول قرآن سالم و پابرجا مانده بوده و اکنون نیز همین طور است. پس اسناد این اهرام به فرعونیان، از نظر قرآن صحیح نیست.

لازم به ذکر است که در سوره اعراف از آیه ۱۰۳ تا ۱۷۶ داستان حضرت موسی علیه السلام را به طور کامل بیان می کند و بر خوردهای با فرعون تا آیه ۱۳۷ تمام می شود و بقیه داستان سرگذشت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل است.

در آیه ۳۵ و ۳۶ از سوره فرقان تنها در دو آیه، خلاصه سرگذشت موسی و هارون و فرعونیان را بیان می کند و در آنجا نیز به ویرانی کامل اشاره می کند.

**«ولقد اتینا موسی الکتاب و جعلنا معه اخاه هارون وزیرا. فقلنا اذهب الی القوم الذین**

**کذبوا بآیاتنا فدمرنا هم تدمیرا»**

به یقین به موسی کتاب عطا کردیم و برادرش هارون را دستیار او قرار دادیم پس به آنان گفتیم: «هر دو به سوی قومی که نشانه های ما را دروغ گرفتند بروید» سپس آنان را به سختی هلاک و ویران کردیم.

در سوره یونس از آیه ۷۵ تا ۹۳، داستان موسی و فرعون را بیان می کند، برخی از آن آیات که در رابطه با بحث ما مفید است ذکر می کنیم:

**«و قال موسی ربنا انک اتیت فرعون وملاه زینة و اموالا فی الحیاة الدنیا ربنا لیضلوا عن**

**سبیلک ربنا اطمس علی اموالهم و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم. قال**

**قد اجیبت دعوتکما فاستقیمما ... حتی اذا ادركه الغرق ... فالیوم ننجیک بیدنک لتکون لمن**

**خلفک آیه و ان کثیراً من الناس عن آیاتنا لغافلون»** (بخشی از آیات ۸۸ تا ۹۲ سوره یونس)

و موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، پروردگارا تا مردم را از راه تو گمراه کنند، پروردگارا! اموالشان را نابودکن و آنان را دل سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند. فرمود دعای هر دوی شما [موسی و هارون] پذیرفته شد پس ایستادگی کنید... پس فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال کردند تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت... پس امروز بدن تو را نجات می‌دهیم تا برای کسانی که از پی تو می‌آیند آیه‌ای باشد.

روشن است وقتی موسی علیه السلام دعا می‌کند که آنان و اموالشان از بین بروند و خداوند دعای او را اجابت می‌کند، همه آنان و همه اموالشان از بین می‌رود و شکی نیست که کاخ‌ها و زینتها نیز از اموال آنان بوده است و بنابراین همه نابود شده است حتی یک جسد بی‌روح فرعون را که خداوند نگه می‌دارد، هدف از نگه داری آن را بیان می‌کند. بنابراین اگر اهرام از آن فرعونیان باشد احتمالاً با استجاب دعای موسی و با ذکر نکردن علت نابود شدن آنها در آیه نمی‌سازد.

برخی فکر کرده‌اند برج و کوشکی که فرعون دستور ساختن آن را به هامان داد، چیزی شبیه اهرام مصر یا یکی از آنهاست، در حالی که فرعون چگونگی ساختن رانیز به هامان آموخت و گفت «بر گل، آتش بیفروز»، بنابراین آن بنا و برج اگر ساخته شده باشد حتماً غیر از اهرام ساخته شده از سنگ است:

**«و قال فرعون يا ايها الملاء ما علمت لكم من اله غيري فاولقذلي يا هامان على الطين فاجعل لي صرحا لعلی اطلع الی اله موسی...»** (قصص، ۳۸/۲۸)

و فرعون گفت ای بزرگان قوم، من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم، پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی برای من بساز شاید به خدای موسی اطلاع یابم. حتماً هدف فرعون از ساختن برج، منحرف ساختن ذهن مردم از سخنان موسی بوده و می‌خواست با امکانات زیاد و سرو صدا به برج سازی مشغول شود و هر روز مردم از چگونگی برج با خبر شوند تا سخنان موسی به فراموشی سپرده شود. در چنین جویی اگر ساختن برج یا کاخی از سنگ برایشان امکان پذیر بود حتماً به آن اقدام می‌کردند چون به هدفشان نیز نزدیک تر بود و سوار کردن یک سنگ چندین تنی بر کار، و نصب کردن جرثقیل‌های بزرگ یا ایجاد تپه‌های شنی برای غلطاندن آن سنگها بیشتر شگفت‌آمیز می‌نمود.

بالاخره این برج و بارو هر چه بوده و بر فرض اینکه ساخته شده باشد، آیه ۱۳۷ سوره

اعراف و ۳۶ سوره فرقان خبیر از نابودی آن داده است و حتماً با بناهای موجود در مصر تطبیق نمی‌کند. چون «فاجعل لی صرحاً» «برای من برجی بساز» برج را از اموال فرعون می‌داند و موسی دعا کرد که «اطمس علی اموالهم» «اموالشان را نابود ساز». بنابراین نابودی چنین بنایی از خواسته های موسی بوده که اجابت شده است «قد اجیبت دعوتکما».

سوره غافر نیز از آیه ۲۴ تا ۴۶ مربوط به قصه موسی و فرعون و مؤمن آل فرعون و جز آن است و در آیه ۳۶ دستور برج سازی فرعون به هامان را مطرح می‌کند ولی سخنی از گل و آتش به میان نمی‌آورد.

**«و قال فرعون یا هامان ابن لی صرحاً لعلی ابلغ الاسباب . اسباب السموات فاطلع الی اله موسی»**

فرعون گفت: ای هامان برای من کوشکی بساز، شاید من به آن راه‌ها برسیم، راه‌های آسمان‌ها، تا از خدای موسی اطلاع حاصل کنم.

یقیناً این برج همان برج است و هدف‌ها همان هدف‌ها، بنابراین، نمی‌تواند این برج مطرح شده یکی از اهرام موجود مصر باشد، چون آن برج آجری بوده است. احتمال اینکه به هامان دستور ساختن دو برج - یکی آجری و یکی غیر از آن - را داده باشد بسیار بعید است.

پیشگفتار

در سوره زخرف نیز از آیه ۱۶، قصه موسی و فرعون را بیان می‌کند و در آیه ۵۱ تا ۵۳ فرعون می‌گوید:

**«و نادى فرعون فى قومه قال یا قوم ایس لی ملک مصر و هذه الأنهار تجرى من تحتى افلا تبصرون . ام انا خیر من هذا الذی هو مهین و لا یکاد یبین . فلولوا القی علیه اسورة من ذهب»**

فرعون در قوم خود ندا در داد و گفت ای مردم! آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر (کاخ) من روان است از آن من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟ آیا من از آن کسی که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهتر نیستم. چرا بر او دستبند‌های زرین آویخته نشده است؟

انسان معمولاً بهترین و مهم‌ترین چیزی را که دارد در مقام تفاخر به رخ دیگران می‌کشد، همان‌گونه که قوم عاد هیکل‌های قوی و بناهای مجلل خود را به رخ می‌کشیدند، مسلماً اگر کاخ‌ها و اهرام را فرعونیان ساخته بودند به جای تفاخر به نهرها و طلاها، به کاخ‌های خود افتخار می‌کردند. بنابراین روشن می‌شود که در عصر فرعون همه

می دانسته اند که کاخ ها و هرم ها از آن دیگران بوده و ربطی به فرعونیان نداشته است تنها آنان آن هرم ها را تصرف کرده اند و توانسته اند رود نیل را منحرف سازند تا از نزدیکی های آن عبور کند.

بالاخره آیات دیگر قرآن در سوره های دخان، ۱۷ تا ۳۱، ق، آیه ۱۳، ذاریات، قمر، تحریم، حاقه، مزمل، نازعات، بروج و فجر ملاحظه گردید و در هیچ کدام قرینه ای بر اینکه آن کاخ ها را فرعونیان ساخته باشند یافت نمی شود بلکه در برخی آیات نظیر: ۲۶ دخان «وزروع و مقام کریم» و آیه ۵۸ شعرا «و کنوز و مقام کریم» وجود دارد و نشان می دهد که آنان «مقام کریم» یعنی موقعیت خوب داشته اند، ولی هیچ معلوم نیست که آن موقعیت به معنای ساختن کاخ باشد بلکه شاید در کاخ هایی مسلط بر رود نیل زندگی های مرفه و آسوده ای داشته اند.

بنابراین کاخ سازی فرعونیان ثابت نشد، تنها برجی ساختند یا در صدد ساختنش بر آمدند که از آجر بود و آنچه ساخته بودند ویران شد و باقی نماند. پس به هیچ وجه نمی تواند اهرام متعلق به فرعونیان باشد، از طرفی عادیان کاخ ساز بودند، و به آنها افتخار می کردند و کاخ ها و مساکن آنان باقی ماند و کاخ ها را از سنگ می ساختند و قرآن آنها را بی نظیر می داند و کاخ های آنان به عنوان نشانه باقی ماند.

از مجموع این قراین که از آیات قرآن به دست آمد مسلماً اهرام متعلق به قوم عاد است که بیش از چند هزار سال قبل از فرعونیان می زیسته اند. بنابراین بدون قراین باستان شناسانه از آیات قرآن می توان اثبات کرد که اهرام متعلق به قوم عاد است. حال اگر قرآینی که باستان شناسان نیز دارند بر مطالب قرآنی و تفسیری اضافه شود برای هیچ کس، جای شک و شبه ای باقی نمی گذارد.